

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۳۰

دوره ۲۱- شماره ۷۹- بهار ۱۴۰۳- صص: ۳۳۰-۳۱۱

مقاله پژوهشی

نگاهی به بررسی ترجمه عربی غزل‌های عرفانی عطار از علی عباس زلیخه (با تأکید به مضامین عشق و مستی)

فرح صفری‌نیا^۱

ناهیده گندمی‌کال^۲

احمد حسنی رنجبر^۳

چکیده

دیوان عطار نیشابوری عارف و شاعر بزرگ ایرانی، همواره مورد توجه دوستداران شعر و ادب بوده و بسیاری از ناقدان و پژوهشگران به بررسی و تحقیق پیرامون این اثر پرداخته‌اند و مترجمانی از کشورهای اروپایی و عرب نیز به آن روی آورده‌اند. ظرافت‌هایی در معنی و مفهوم اشعار این شاعر فارسی‌زبان نهفته است که در برخی موارد، زمینه‌ساز ارائه دیدگاه‌هایی شده است؛ بنابراین تأثیر شعر او به ایران و ادب فارسی محدود نمی‌شود. دیرزمانی است که اشعار وی، توجه دانشمندان و صاحب‌نظران آن‌سوی مرزها، از جمله، جهان عرب را به خود جلب نموده و به دنبال آن، آثار ایشان چندین بار به زبان‌های مختلف از جمله زبان عربی برگردانده شده است و بررسی و نقد این ترجمه‌ها ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر در پی آن است تا با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی، ترجمه غزلیات عرفانی دیوان عطار را به زبان عربی مورد بررسی و واکاوی قرار داده و با مقایسه متن اصلی با ترجمه علی عباس زلیخه به بیان مسائلی چون اشتباه در فهم، حذف و معادل‌گزینی نامناسب بپردازد تا از این رهگذر برای مخاطب روشن شود که بار معنایی واژگان و تعابیر به زبان مقصد چگونه منتقل شده و برگردان مترجم از عهده انتقال مفاهیم به خواننده برآمده یا با نارسایی همراه است؟

کلیدواژه‌ها: عطار، ترجمه، غزل، عرفان، علی عباس زلیخه، عشق.

۱- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عرب، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول: gandomikal.n@gmail.com

۳- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

پیشگفتار

ترجمه را می‌توان فرایند جایگزین کردن کلمات، عبارات، جمله‌ها و به‌طور کلی متن در یک زبان با متنی در زبان دیگر دانست. یکی از راه‌های انتقال معانی و مفاهیم، به غیرفارسی‌زبانان و آشنانمودن آن‌ها با حقایق و مضامین است. ترجمه، توانایی ما را نسبت به ادبیات سایر ملل گسترش می‌دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که «ترجمه به‌عنوان نقطه عطفی در ارتباط بین جوامع و فرهنگ‌ها مورد توجه بوده و در راستای آگاهی بخشی و روشننگری افکار از اهمیت بالایی برخوردار است.» (حقانی، ۱۳۸۶: ۱۸۴).

در مدت زمان کمی، اشعار شاعران بزرگی همچون فردوسی، مولوی، سعدی، عطار، نظامی و خیام به زبان عربی ترجمه‌شد. دانشمندان عرب‌زبان، زمانی که به آثار زیبا و جذاب ادبیات فارسی پی‌بردند، به ترجمه آثار فارسی اقدام نمودند. این دو ملت، دارای اشتراکات فرهنگی زیادی هستند و از نظر فرهنگی، بیشترین تأثیر را روی همدیگر داشته‌اند. در حوزه ادبیات عرفانی، ترجمه آثار فریدالدین عطار نیشابوری بیش از سایر بزرگان ادب فارسی، مد نظر پژوهشگران عرب‌زبان بوده و آثار این شاعر بیش از سایر شعرا به جهان عرب معرفی شده‌است.

از جمله این پژوهشگران، می‌توان به علی عباس زلیخه، محقق سوری اشاره نمود که کتب زیادی درباره آثار فریدالدین عطار نیشابوری از جمله دیوان وی را به زبان عربی ترجمه کرده‌است. بر این اساس در پژوهش حاضر سعی می‌شود؛ روند ترجمه چند بیت از غزلیات عطار را با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی، بررسی و واکاوی کنیم. درباره اهمیت این پژوهش این نکته را باید افزود که با شناخت روند ترجمه شعرهای غزلیات عطار نیشابوری، می‌توان زمینه را برای تعامل ادب پژوهان در زبان، بیش از پیش فراهم کرد.

علی عباس زلیخه در ترجمه خود به نسخه رینولد نیکلسون نظر داشته‌است، نگارنده نیز در آوردن ابیات فارسی و مطابقت ترجمه عربی با آن‌ها، همین نسخه را مد نظر قرار داده‌است.

در این پژوهش از کتاب دیوان عطار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری به اهتمام و تصحیح محمد درویش انتشارات جاویدان، چاپ چهارم ۱۳۶۶ استفاده شده‌است. دلیل آن این است که از لحاظ زمانی به ترجمه علی عباس زلیخه نزدیک باشد. ایشان علاقمند به ترجمه آثار فارسی از جمله دیوان عطار نیشابوری هستند.

آثار ترجمه‌شده وی به زبان عربی، شامل دیوان حافظ شیرازی به صورت منثور و منظوم، شش دفتر مثنوی مولانا به صورت منثور، دیوان فریدالدین عطار ابوحامد محمد عطار نیشابوری به نظم، کتاب «المعصیه» و «الأسرار» از فریدالدین عطار، رسائل صفی‌علیشاه از میرزا حسن اصفهانی ملقب به صفی‌علیشاه، ترجمه اشعاری از حافظ، شلی، لامارتین به نظم در مجموعه‌ای با نام الصغیر السماوی و ترجمه رمان زوال کلنل، نوشته محمود دولت‌آبادی، حاکی از آن است که ایشان علاقه و توجه خاصی به زبان و ادبیات فارسی دارد. امید است که با انجام چنین پژوهش‌هایی، چالش‌های ترجمه زبان عربی تا اندازه‌ای برطرف شده و در تحقیقات جدید، نکات کلیدی و راهکارهای لازم از پیش، مورد توجه قرارگیرد و بستر مناسبی برای ارتباط هرچه بهتر بین دو زبان و ملت برقرارگردد.

در این مقاله درصدد آن هستیم که بررسی کنیم، آیا مترجم توانسته است معانی و مفاهیم مورد نظر عطار را به خواننده منتقل نماید و ترجمه دقیقی را در سطوح مختلف انجام دهد؟ با بررسی ترجمه زلیخه مشخص می‌گردد که مترجم تلاش فراوانی که در جهت ترجمه غزلیات عطار کرده است، در موارد زیادی در ارائه بهتر ترجمه، دچار خطا شده است.

هدف تحقیق

نقد و آسیب‌شناسی ترجمه دیوان عطار (غزلیات) به زبان عربی به منظور ارتقاء سطح ترجمه این اشعار.

اهمیت تحقیق

آنچه در این پژوهش مورد نظر است، بررسی کاستی‌های ترجمه عربی دیوان عطار نیشابوری علی‌عباس زلیخه است. بدیهی است هر ترجمه‌ای ممکن است خطاهایی داشته باشد که عامل آن صرفاً آشنا نبودن با زبان مبدأ نیست، بلکه باید توجه داشت که مترجم برای ترجمه متون، به‌ویژه متون ادبی باید به اصولی، از جمله آشنایی کافی با زبان فارسی، دقت در خواندن واژگان و عبارات، تشخیص صحیح ارکان جمله، توجه به علائم نگارشی در متن و درک صحیح اصطلاحات فارسی، پایبند باشد و در رعایت آن‌ها بکوشد.

بحث و بررسی

ترجمه

ترجمه در لغت به معنای روشن کردن و توضیح دادن است و در اصطلاح برگرداندن کلامی از زبانی به زبان دیگر است.

ترجمه، فرآیند تبدیل معنای یک پیام نوشتاری (متن) از یک زبان به زبان دیگر است. تقریباً هر تعریفی از ترجمه، شامل سه بخش است. زبان مبدأ، زبان مقصد و انتقال معنا است. به عبارت ساده‌تر، مترجمان معنا را از متن نوشته‌شده در زبان مبدأ به زبان مقصد منتقل می‌کنند.

هنر ترجمه، نقش مهمی در زندگی روزمره ما ایفا می‌کند؛ زیرا می‌تواند به نوعی بر آن تأثیر بگذارد. ترجمه می‌تواند به عنوان یک رسانه عمل بکند و اندیشه و ایده‌های ما را فراتر از مرزهای فرهنگی و جغرافیایی ببرد. یک مترجم خوب باید دارای ویژگی‌ها و مهارت‌هایی باشد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: تسلط کامل به زبان مبدأ و مقصد؛ تسلط به اصطلاحات خاص؛ مهارت در نوشتاری؛ آشنایی با فرهنگ زبان مبدأ.

یکی از اصول مهمی که در ترجمه متون داستانی بیان می‌شود، برابری‌های واژگانی، ساختاری و رفتاری دقیق و مناسب در برگرداندن پیام از مبدأ به زبان مقصد است. افزایش واژگانی؛ کاهش یا حذف واژگانی؛ جابجایی دستوری

عطار نیشابوری

شیخ عطار نیشابوری عارف و شاعر بزرگ خراسان است. وی داروخانه‌ای داشته که در آن به کار طبابت می‌پرداخته‌است و در هر روز، عده زیادی به او مراجعه می‌کرده‌اند. دو کتاب معروف مصیبت‌نامه و الهی‌نامه را در داروخانه آغاز کرد. شیخ عطار مناعت طبع و همت بلند خویش را حفظ کرده‌است و از قدر و قیمت سخن نکاسته و آن را به مدح نیالوده و روشنی و پاکیزگی طبع لطیف را با ظلمت مدح کدر و تیره نساخته‌است.

یکی از آثار عطار دیوان غزلیات است. در دیوان حاضر ۸۲۲ غزل و ۳۰ قصیده، جمع‌آوری شده‌است. «آنچه از اندیشه‌های عرفانی و احوال روحانی خود در آثاری چون منطق‌الطیر با طرح هفت وادی یا مصیبت‌نامه و نیز دیوان به شعر درآورده‌است، مبنی بر آموزش‌های پیری خاص یا سلوک در طریقه‌ای از طریقت‌های صوفیان نیست؛ بلکه تجربیات شخصی او است. شگفت‌انگیز است که او توانسته‌است این تجربیات خصوصی را با زبانی ساده و آشکارا بی‌رمزهای پیچیده و مصطلحاتی از نوع آنچه در آثار پیروان ابن عربی آمده‌است، در قالب نظم و شعر عرضه کند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۳۴) سیر و سلوک او در عالم درون آدمی است و او در این سیر بر مرکب عشق سوار است.

فریدالدین عطار نیشابوری، علاوه بر مثنوی‌های متعالی و برجسته خویش در غزل نیز مبتکر شیوه و بیان خاصی است که در سیر تکاملی غزل فارسی و به خصوص غزل عرفانی بسیار مؤثر بوده‌است. غزل عطار از حیث تکنیک‌های بیانی، جوهره و محتوای شعری و تنوع موضوعات مختلف در شعر فارسی از برجستگی و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. موضوعات عرفانی، قلندریات، وصف، تغزل، بیان تجارب و احوال درونی، پند و اندرز از جمله موضوعات گوناگون غزلیات او به‌شمار می‌رود. هم‌چنین متنوع‌ترین، ابتکاری‌ترین و برجسته‌ترین تعبیرات رندی و قلندری را نیز در غزلیات عطار می‌توان مشاهده کرد.

معرفت نفس، همواره دل‌مشغولی جدی اهل اندیشه و سیر بوده‌است. به همین منظور، عرفان با هدف نیل به حقیقت و معرفت به عنوان یک علم در فرهنگ اسلامی زاده شد.

علی عباس زلیخه

نویسنده، مترجم و دانشمند مسلمان، علی عباس زلیخه در سال ۱۹۵۷ میلادی در شهر سلیمه از توابع شهر حما در مرکز سوریه به دنیا آمد. زلیخه پزشک متخصص اعصاب و تحصیل کرده فرانسسه است و هم‌اکنون در دانشگاه تشرین، مشغول تدریس می‌باشد. علی عباس زلیخه، هنگام تحصیل در فرانسه از طریق اشعار شاعران ایرانی همچون (حافظ، عطار) با ادبیات عرفانی آشنا شد و گم‌شده خود را در اشعار عرفانی و معنوی فارسی یافت و همین موضوع، انگیزه‌ای برای زلیخه شد تا به فراگیری زبان فارسی بپردازد، به گونه‌ای که خودآموز زبان فارسی را فراگرفت.

این مترجم مشهور سوری، اهتمام خاصی به زبان فارسی داشت و تاکنون علاوه بر ترجمه عربی، موفق شده‌است تا ۸۲۲ غزل و ۳۰ قصیده از دیوان عطار را به عربی ترجمه کند.

زلیخه، ترجمه منطق الطیر فریدالدین عطار نیشابوری نیز به نظم درآورد و در سال ۲۰۱۹ م. در انتشارات نینوی چاپ کرده‌است. از دیگر آثار او می‌توان به رمان روال کلنل محمود دولت‌آبادی، نامه‌های صفی علیشاه میرزا حسن، ملقب به صفی علی شاه اشاره نمود.

بررسی ترجمه عربی ابیاتی از غزل‌های عرفانی عطار از علی عباس زلیخه

عشق

گرچه از سر پای کردم چون قلم در ره عشق پا و سر پیدا نیامد این بیابان مرا
(عطار: ۱۴۵)

ترجمه:

جَعَلتَ رَأْسِي قَدَمًا فِي طَرِيقِ الْعَشْقِ كَالْقَلَمِ
وَلَا بَدَايَةَ تَظَهَرُ وَلَا نِهَائِيَةَ لِهَذِهِ الصَّحْرَا
(زلیخه، بی تا: ۷۶)

ترجمه بیت: شاعر می‌گوید که من با تمام وجودم با اشتیاق و دیوانه‌وار قدم در راه عشق گذاشتم (شناخت معرفت الهی)؛ ولی با این همه اشتیاق، مانند کسی هستم که در بیابان، خودش را گم کرده و سرگردان است. عطار در این بیت به عظمت خدا و ناتوانی انسان اشاره کرده‌است.

بررسی ترجمه:

از سرپای کردن: از سرپای ساختن، با سررفتن، کنایه از سر و پا نشناختن و شوق داشتن. در این بیت، زلیخه «جعلت رأسی...» در مصرع اول اصطلاح خوبی نیست و مفهوم بیت را خوب نفهمیده در زبان عربی به کار نمی‌برند، اگر به مصرع اول بیت دقت کنیم، ترجمه آن «سر و پایم را در راه عشق مانند قلم قرار دادم». این ترجمه، اصلاً صحیح نمی‌باشد؛ چرا که با توجه به مفهوم شعر، مصرع اول عطار، اشتیاق تمام وجود انسان برای رسیدن به معرفت الهی، قدم برداشتن است و راه رسیدن به معرفت الهی ریاضت و تحمل سختی‌ها می‌باشد که به قلمی که هرچقدر بتراشید کوتاه و کوتاه‌تر می‌شود، تشبیه شده‌است که زلیخه همان قلم ترجمه کرده‌است. پس در این بیت، معادل‌سازی

کلمات درست انجام‌نگرفته‌است. شاعر می‌توانست معنی را واضح‌تر بنویسد؛ پس در این بیت، معادل‌سازی کلمات درست انجام‌نگرفته‌است و می‌بایست (وَضَعْتَ قَدَمِي) برای فعل خود به‌کارمی‌برد. در مصرع دوم بیت زلیخه «ولا بدایه...» یعنی ابتدا و انتها در این صحرا نیست، زلیخه مفهوم درستی از این مصرع را نفهمیده «سر از پای نشناختن» کنایه از شوق داشتن که عطار در مصرع دوم به عظمت خدا و ناتوانی انسان برای رسیدن به خدا اشاره کرده‌است و زلیخه بدون توجه به مفهوم کنایی آن، ترجمه‌ای تحت‌اللفظی نوشتن و باید طبق شعر فارسی در مصرع دوم (با این همه ...) را (ولکن مع کل هذا) را ترجمه‌می‌کرد و نیازی نبود اول مصرع دوم حرف (و) به‌کارمی‌برد؛ چراکه طبق معنی شعر، حرف (و) اضافه می‌باشد و به‌جز معادل‌یابی واژگان و اصطلاحات، کاربردی ندارد.

بیت پیشنهادی:

لقد وضعت قدمي في وادي العشق بكل وجودي

ولكن مع كل هذا فأنا لا أرى بدایه و لا نهاية لهذا الوادي

در بیت زیر:

تا قیامت روی هشیاری مرا

از می عشقت چنان مستم که نیست

(عطار: ۱۴۵)

زلیخه:

حتى القيامة لا وجه للصحو لي

سكران من خمير عشقك

(زلیخه: ۷۶)

معنی بیت:

به‌خاطر عشق و علاقه‌ای که به معشوق یعنی خدا دارم تا قیامت به هوش نمی‌آیم، عطار در این بیت بسیار شیوا و ساده، سروده‌است، آن‌چنان در وجود خداوند غرق شده‌ام و از می ناب عبودیت که گمان نمی‌کنم، هیچ‌وقت از این مستی رهایی‌یابم.

بررسی ترجمه:

زلیخه در این بیت، شعر را تا حدودی متوجه‌شده‌است. زلیخه ترتیب نوشتن مصرع و چگونه قرار گرفتن کلمات را خوب رعایت نکرده‌است و باید در مصرع دوم، واژه (أنه) را به‌کارمی‌برد.

بیت پیشنهادی:

لا وجه للصحو لي حتى القيامة

قد سكرت من خمير عشقك لدرجة أنه

در بیت:

راحت جان ز خم جعد پریشان مطلب

شادی دل ز غم عشق پراکنده مجوی

(عطار: ۱۵۲)

زلیخه:

سُرور القلبِ من غَمِّ العِشْقِ المُشْتَتِ لا تطلبِ راحةَ الروحي من طياتِ الجعدِ المُشْتَتِ لا تطلبِ
(زلیخه: ۸۴)

جان : مراد روح انسان است و کنایه از نفسِ رحمانی و تجلیاتِ حق است. (سجادی، ذیل جان)
معنی بیت:

برای رسیدن به معشوق و شادیِ نفس، راه بی‌بندوباری را طی نکنید و لایبالی مباش و راه پر و
پیچ‌وخم را نخواه. مفهوم عرفانی بیت: عطار می‌گوید: هیچ‌گاه با عشق الهی و تعلقاتِ خاطر نفسانی به
آرامش نخواهی رسید. مثل این می‌ماند که سروسامان را از آشفتگی طلب کنی. بیت به آیه *أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ*
تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ اشاره دارد.

بررسی ترجمه (معادل‌گزینی):

در این بیت و در هر دو مصرع، زلیخه «پراکنده و پریشانی» را «المُشْتَتِ» ترجمه کرده است. البته اگر
به مفهوم کنایی شاعر توجه نکنیم، درست ترجمه کرده است؛ اما در این بیت، معادل‌سازی و کنایی
درست انجام‌نگرفته و منظور شاعر در این بیت، یعنی برای آرامش رسیدن، حتماً باید همیشه ذکر و یاد
خدا را از ذهن و نفس خودمان دور نکنیم. در صورتی که زلیخه در مصرع اول بیت باید برای کلمه
«پریشانی» با توجه به مفهوم آن «الفکر المشتت» و در مصرع دوم نیز «پریشانی» را با توجه به مفهوم آن
«المشوش» ترجمه می‌کرد. هم‌چنین در مصرع اول واژه‌ها از نظر دستوری، خوب به کارنرفته و باید فعل
«مجوی» یعنی «نگشتن» که زلیخه به معنی «نخواستن» ترجمه کرده؛ «لاتبحث» ترجمه می‌شد.

بیت پیشنهادی:

لا تبحث عن الفرح و السرور لقلبك إن كان حبك مشتتاً
و لا تطلب سكينه الروح من ذلك الشعر المجعد المشوشا

در بیت:

سر زلف پر بند تو تا بدیدم
به یک دم شدم عاشق بند بندت
(عطار: ۱۵۶)

زلیخه:

حين رأيتُ زلفَكَ المملوءَ بالقيودِ
بلحظةٍ صرتُ عاشقَ قَيدِ قَيدِكَ
(زلیخه: ۸۶)

زلف: موی مجعد در سر است و در اصطلاح صوفیان غیبت هویت حق را گویند که هیچ‌کس را
بدان راه نیست. (سجادی، ذیل زلف)

بند: گره (معین، ذیل بند)، دام در مصرع دوم به معنی پیوندگاه دو عضو مفصل
بندبند: تمام وجود

معنی بیت:

زلف پر بند، اشاره به موی مجعد و پرپیچ‌وتاب دارد که باعث دل بردن از عاشق می‌شود. می‌گوید که همین‌که زلف مجعد و پرتاب تو را دیدم، دلم در بند بند آن زلف گیر کرد و اسیر شد. از نظر عرفانی منظور این است که هرچه بیشتر از زیبایی‌های خداوند، درک کردم، بیشتر عاشق و گرفتار حسن جمالش شدم.

بررسی ترجمه (معادل‌گزینی)

زلیخه در این بیت و در مصرع اول باید به‌جای ترجمه «حین رأیت» به معنای «زمانی که هست»، عبارت (ما إن...)، به معنی «همین‌که» ترجمه‌می‌کردند و به‌جای کلمه (زلف) معادل عربی آن یعنی (شعر) به‌کاربرده و در همین مصرع نیز (پر و پیچ) هم باید به (الملفوف) ترجمه‌می‌شد. در مصرع دوم نیز معادل‌سازی خوبی صورت‌نگرفته و عبارت «به یک دم» را «فی آن واحد» ترجمه‌می‌شد. و معنی «بند بندت» را باید «لکل وجودک» ترجمه‌می‌کرد.

بیت پیشنهادی:

ما إن رأیت شعرک المجعد الملفوف حتی صبرت فی آن واحد عاشقاً لکل وجودک

در بیت:

عشق جانان همچو شمعم از قدم تا سر بسوخت مرغ جان را نیز چون پروانه بال و پر بسوخت
(عطار: ۱۵۴)

زلیخه:

عشق الحبيب أحرقتني من الرأس للقدم ریش و جناح طائر الروح كالقراشة أحرقت
(زلیخه: ۸۹)

معنی بیت:

عشق محبوب جسمم را مانند شمع و جانم را چون پروانه سوزاند. آن‌چنان عشق خود در من شعله‌ور است که جانم را (وجودم) را مثل پروانه سوزاند. شاعر شعله عشق الهی را به شعله شمع و وجودش را به پروانه تشبیه کرده‌است.

بررسی ترجمه:

در این بیت و در مصرع اول، زلیخه (همچو شمع) را در ترجمه‌اش حذف کرده‌است، با توجه به شعر عطار عشق محبوب جسمم را مانند شمع سوزاند. در مصرع دوم بیت نیز زلیخه به مفهوم شاعر توجه‌نکرده و به‌ترتیب کلمات در مصرع دوم، توجه‌نکرده‌است.

بیت پیشنهادی:

عشق الحبيب أحرقتني من الرأس للقدم كالشمع وأحرق جناح و ریش طائر روحی كالقراشة

در بیت:

عشقش آتش بود، کردم مجمرش از دل چو عود آتش سوزنده بود و عود با مجمر بسوخت

(عطار: ۱۵۴)

زلیخه:

عشقة النارُ جَعَلْتُ قلبی مجمرًا كالعودِ لهيبُ النارِ أحرَقَ العودَ و المَجمرَ أيضاً أحرَقَ

(زلیخه: ۸۹)

مجمر: آتشدان، عود: درختی است که از سوختن چوب آن بوی خوش متصاعد می‌شود.

معنی بیت:

دل در گرو عشقش نهادم تا چون عود در مجمر بسوزد و آتش او را مانند عود خوشبو او را بسوزاند. شاعر می‌گوید: گرمای عشق را به دلم راه دادم که از گرمای شعله این عشق، مثل آتشی که عود را می‌سوزاند، اندک بوی خوشش در وجودم پیچد. غافل از این که این عشق آن قدر شعله‌ور شد، آتشش هم عود و جای عود (مجمر) را باهم سوزاند.

بررسی ترجمه:

زلیخه در این بیت، مفهوم شعر را نفهمیده است و فقط بیت را ترجمه کرده است. در اینجا شاعر، گرمای عشق را که به دلش راه داده به آتشی که عود را می‌سوزاند، تشبیه کرده است؛ به نحوی که بوی این عشق همه جا پیچیده است.

زلیخه فقط به ترجمه ظاهری و ترجمه تحت‌اللفظی بیت پرداخته و آن را ترجمه کرده است. این گونه ترجمه‌ها در زبان عربی، اصلاً صحیح نمی‌باشد، حتی ترتیب قرارگرفتن مصرع را رعایت نکرده است. ترکیب (عشقه النار) در مصرع اول، باید به (النار عشقه) ترجمه می‌شد و صفت و موصوف جابه‌جاشده است. منظور شاعر آتش عشقش همچون مجمر می‌سوخست، است.

بیت پیشنهادی

جعلت قلبی مجمر النار عشقه كالعود و كان عشقه ناراً محرقه فأحرق المَجمر و العود معاً

در بیت:

سیرم از زرق فروشی و نفاق عاشقی محرم اسرار کجاست

(عطار: ۱۶۵)

زلیخه:

شبع من بیع الریا و النفاق این هو العاشقُ المحرمُ للأسرار

(زلیخه: ۹۱)

واژه زرق، عربی نیست و در فارسی بودن آن نیز جای شک و تردید است؛ ولی از دیرباز در متون

نظم و نثر به معنی ریا و نیرنگ و مکر و دستان به‌کاررفته است. (خرمشاهی، ۱۳۸۴: ۳۴۸)

معنی بیت:

در این بیت، عطار خرقه‌پوشی را به‌طور پوشیده، خودنمای می‌نامد و به‌دنبال عاشق واقعی که رازدار است، می‌گردد. خسته‌شدم بس که در اطرافم انسان‌هایی را دیدم که غرق در تعلقات دنیا شدند و فخر می‌فروشدند و گوهر اصلی وجود انسان را فراموش کرده‌اند. (نفاق و دورویی) دلم انسان‌هایی را می‌خواهد که مثل خودم، عاشق و رازدار اسرار الهی باشند. انسان‌هایی که بشود از عظمت خدا با آن‌ها گفت.

بررسی ترجمه:

زلیخه در این بیت در ترجمه‌اش از معادل‌سازی خوبی استفاده نکرده‌است. در مصرع اول بیت فعل (سیرم) را طبق مفهوم شعر، یعنی خسته‌شدن از ریا و نفاق باید ترجمه می‌شد، زلیخه به‌جای آن از فعل (شبعت) استفاده کرده‌است؛ یعنی ترجمه تحت‌اللفظی همان واژه «سیرم» در شعر فارسی است و این معادل‌سازی‌ها در زبان عربی کاربردی ندارد و صحیح نمی‌باشد. هم‌چنین به‌جای (محرم اسرار) باید ترکیب، «الحافظ الأسرار» به‌کار می‌رفت.

بیت پیشنهادی

این هو العاشق الحافظ للأسرار

تعبت من المرئین و المنافقین

در بیت:

شود یقینت که جز عاشقی خرافات است

اگر دمی به مقامات عاشقی برسی

(عطار: ۱۶۵)

زلیخه:

لَذَّةُ الْعَاشِقِ تَكُونُ مَا وِراءَ اللذات

لو وَصَلتَ لِحظَّةِ الی مقامات العشق

(زلیخه: ۹۱)

خرافات: جمع (خرافت)، سخنان بیهوده، افسانه‌ها. حرف‌های باورنکردنی و بی‌پایه و اساس را خرافات گویند.

معنی بیت:

اگر حتی یک لحظه لذت بندگی با خدا و نگاهش به خود را احساس کنی، هر کاری غیر از عبادت و عاشقی بر خدا را بیهوده می‌پنداری، زیرا حقیقت واقعی را یافته‌ای. عطار در اینجا، خیلی زیبا و ظریف، حس و حال خدایی شدن را به قلم کشیده‌است و حجت را بر خود و همه خوانندگان تمام کرده، می‌گوید: که اگر یک لحظه، حس زیبای این عشق را حس کنی تازه می‌فهمی هر آنچه می‌بینی وجود دارد، غیر واقعی و اشتباه است یا این که اصلاً وجود ندارد، هیچ لذتی با لذت بندگی قابل مقایسه نیست.

بررسی ترجمه: (۱)

زلیخه مصرع اول را خوب ترجمه کرده‌است؛ اما در مصرع دو با توجه به معنی شعر، خوب ترجمه نشده و معادل‌سازی خوبی را به‌کار نبرده‌است.

بیت پیشنهادی:

لو وصلت لحظه إلى مقامات العشق
لتیقنت إن کل شیء ماعدا العشق هو خرافة
در بیت:

مخند از پی مستی که بر زمین افتد
که آن سجود وی از جمله مناجات است
(عطار: ۱۷۴)

زلیخه:

لا تضحک علی سکران واقع علی الأرض
ذاک السجود منه من جملة المناجاة
(زلیخه: ۹۳)

معنی بیت:

به مستی که افتان و خیزان راه می‌رود و گاهی به زمین می‌خورد، خنده نکن، چه بسا همان افتادن بر روی زمین از نظر معبود، صواب سجده دارد. (اینجا منظور مست از می عشق الهی است، یا از خود بیخود شدن برای خود) بررسی ترجمه: (۱)

زلیخه تا حدودی این بیت را خوب ترجمه کرده است؛ ولی در مصرع دوم (منه) نباید به کار می‌برد و با توجه به ترجمه شعر به نظر می‌رسد اضافه است.

در بیت:

دلا گر عاشقی از عشق بگذر
که تا مشغول عشقی عشق بند است
(عطار: ۱۸۳)

زلیخه:

قلب إن كنت عاشقاً لا تشتغل بالعشق
ذاک الإشتغال قید عشق یکون
(زلیخه: ۹۳)

معنی بیت:

وقتی عاشق می‌شوی آن قدر شیدایی کن که اصلاً همه چیز را فراموش کنی، اگر دربند خواسته‌ات باشی، دیگر اسیری نه عاشق.

در این بیت برای زیبایی شعر از آرایه متناقض‌نما، استفاده شده است. یک‌جور دیوانه‌واری و از خود بی‌خود شدن در عشق را می‌رساند.

بررسی ترجمه: (۱)

زلیخه در این بیت «دلا» را «قلب» ترجمه کرده است. معادل‌سازی حرف ندا به درستی صورت نگرفته و باید «قلباً، یا قلبی» ترجمه می‌شد. و همچنین «از عشق بگذر» را «لا تشتغل بالعشق» ترجمه کرده است.

عطار در این بیت می‌گوید، برای رسیدن به خدا از عشق خود بگذر و اسیر بند خواسته‌ات نشو، اما زلیخه مشغول نشدن به عشق ترجمه کرده‌است. همچنین در مصرع دوم بیت، حروفی را حذف کرده- است.

بیت پیشنهادی:

قلب إن كنت عاشقاً لا تتشغل بالعشق
فذاک الإشتعال هو قید العشق

در بیت:

می و معشوق و وصل جاودان هست
کنون تدبیر ما لختی سپند است

(عطار: ۱۸۳)

زلیخه:

الخمرُ و المعشوقُ و الوصلُ الخالدُ
تدبیرنا الآن بالحرملِ سیکون

(زلیخه: ۹۴)

می، در اصطلاح اهل تصوف، ذوقی را گویند که بر اثر یاد حق در دل صوفی پیداشود و او را مست گرداند و به معنای نشأه ذکر و غلیان عشق هم آمده‌است. همچنین غلبات عشق را گویند که مقارن سلامت است (سجادی: ذیل می)؛ معشوق: در اینجا همان خدا است که مستحق دوستی می‌باشد.

معنی بیت:

ای انسان ایمان داشته‌باش که مذهب عشق، راه عشق جاودان است و بر تمام مذاهب برتری دارد و هیچ نابودی در آن نیست. مذهب عشق در اینجا منظور ایمان قلبی به وجود خداوند است.

بررسی ترجمه

زلیخه تا حدودی معنی بیت را متوجه شده‌است و خوب ترجمه کرده و معادل‌سازی خوبی برای ترجمه به کار برده‌است.

در بیت:

ره عشاق راهی بی‌کنارست
از این ره دور اگر جانت به کارست

(عطار: ۱۸۴)

زلیخه:

طریق العشق طریق بلاکنار
ابتعد عنه إن کان لروحک کار

(زلیخه: ۱۰۷)

معنی بیت:

منظور از بی‌کنار بدون ساحل، بدون حاشیه یا جای امنی برای استراحت است. عطار می‌گوید: اگر انسانی هستی که جان (زنده‌ماندن) یا از جان گذشته نیستی، از راه عشق، خدایی خودت را کنار بکش، چراکه این راه سختی و از جان گذشتگی می‌طلبد.

بررسی ترجمه (۱)

زلیخه در این بیت و در مصرع اول (بلا کنار) در ترجمه عربی به‌کاربرده و این ترجمه در زبان عربی کاربردی ندارد و صحیح نمی‌باشد، زیرا (کنار) واژه فارسی است و عرب‌زبانان از این کلمات در ترجمه به‌کار نمی‌برند.

بیت پیشنهادی:

طریق العشق طریق صعب لا نجات و لا امانه فیه

إذا كنت تريد البقاء الأمان إبتعد عنه

در بیت:

یارب چه کسی که در دو عالم

کس قیمت عشق تو ندانست

(عطار: ۱۹۶)

زلیخه:

ما عرف قیمة عَشِقِکِ شَخْصٌ

ما عرف قیمة عَشِقِکِ العالمان

(زلیخه: ۱۴۸)

معنی بیت:

هیچ شخصی ارزش و قیمت عشق تو را نمی‌شناسد و موجودات هر دو جهان هم نمی‌دانند. یعنی عارفی که به خدا دل بسته است، فقط محبوب این عشق لایزال را می‌داند.

زلیخه تا حدودی معنی بیت را فهمیده است. اگر به بیت فارسی عطار نگاه کنیم، عطار از حرف ندا و منادا استفاده کرده است که در ترجمه زلیخه دیده نمی‌شود. او به جای آن باید (ربا، یا الهی) به‌کار می‌برد ولی حرف ندا و منادا را حذف کرده است و این بیت، باید (یا ربا ما عرف قیمة عَشِقِکِ العالمان) ترجمه می‌شد.

در بیت:

هر که را باز عشق صیدکند

بازش از چنگ او رهایی نیست

(عطار: ۲۱۹)

زلیخه:

کُلُّ من صادهُ بازُ العَشِقِ هو

فی قبضه باز العَشِقِ دائم البقاء

(زلیخه: ۹۱)

معنی بیت

باز هم ارزش مفهوم بالای عشق الهی و بلندی مقام پروردگار که در ادبیات فارسی نماد بلندی و غیرقابل دستیابی است. اینجا عطار می‌گوید: که ای انسان اگر در راه تکامل و شناخت خداوندت پیروز باشی (باز عشق، صید کردن) آن‌قدر بلندمرتبه و نیرومند خواهی شد که دیگر این عشق را از دست نخواهی داد.

بررسی ترجمه (۲)

زلیخه در این بیت مفهوم بیت را فهمیده و ترجمه خوبی انجام داده‌است؛ زیرا که در مصرع دوم، با توجه به معنی شعر، عطار خطاب به انسان می‌گوید: اگر در راه تکامل و شناخت خدا پیروز باشید، دیگر این عشق خداوندی را از دست نمی‌دهید، این‌که باز عشق یک نماد و مفهومی غیرقابل دستیابی است.

مستی و مضامین آن

در بیت:

چون من از باده غفلت مستم
آن بت دلبر هشیار کجاست
(عطار: ۱۶۵)

زلیخه:

ما دمتُ سکرانِ خَمْرَةِ الْغَفْلَةِ
این هُوَ الصَّنَمُ الصَّاحِي السَّحَارِ
(زلیخه: ۹۲)

شاعر در این بیت منفی باده را در نظر دارد که باعث بی‌خبری شده‌است. محبوب و یا مرشد باید بیاید که هوشیاری کامل است و باعث بیرون آمدن از غفلت می‌شود و باعث هدایت است، به نظرم یک نوع شرط بستن با خداست و می‌گوید: الان که من آن‌قدر عشق تو از خود بیخود شدم که دیگر وقت آن است که به وصال برسم.

بررسی ترجمه: (۲)

زلیخه بیت را تحت‌اللفظی ترجمه کرده و مفهوم را تا حدودی متوجه شده‌است. در مصرع دوم حرف «هو» اضافه است و لازم نیست در مصرع می‌آورد و ترکیب «این الصنم» را ترجمه می‌کرد.
ساقی از در، در آمد و بنشست
صد قیامت به یک زمان برخاست
(عطار: ۱۶۵)

زلیخه:

السَّاقِي دَخَلَ مِنَ الْبَابِ وَ جَلَسَ
صَرَخُ مِثَّةِ قِيَامَةٍ بِلِحْظَةِ عَلَا
(زلیخه: ۱۰۱)

معنی بیت:

شاعر در این بیت از مراعات نظیر استفاده کرده‌است، مثل نشستن و برخاستن، همین که ساقی وارد جمع عابدان شد، گوشه‌ای نشست، صدها نفر به احترام و شکوهش از جای برخاستند، حالا با توجه به عارفانه بودن، مضمون ساقی را عابدی تصور کرد که انسان‌ها را به خدا نزدیک می‌کند.

بررسی ترجمه:

زلیخه این بیت را خوب ترجمه کرده و معادل‌سازی خوبی برای شعر به‌کار برده‌است.

مرا کعبه خرابات است امروز
حریفم قاضی و ساقی امام است
(عطار: ۱۹۴)

زلیخه:

هذا اليوم کعبتی فی الخرابات
و حریفی القاضی و ساقی الامام
(زلیخه: ۷۹)

معنی بیت

عطار اینجا با این مثال از «عیش زیبا» خواننده را به عمق مطلب ببرده و گفته من امروز آن‌قدر مست می‌عشق الهی شده‌ام که با قاضی و پیشوا و امامان هم‌پایه هستم.

بررسی ترجمه (۲)

زلیخه بیت به‌درستی ترجمه نکرده‌است، در مصرع اول زلیخه، با توجه به معنی بیت، شعر را خوب ترجمه نکرده و معادل‌سازی خوبی به‌کار نبرده‌است. در مصرع اول بیت، ضمیر اشاره (هذا) اضافه است و به‌کار بردن آن لزومی ندارد؛ ولی باید ضمیر متکلم (الوحده أنا) را اضافه می‌کرد. در مصرع دوم هم همان تعابیر فارسی را به‌کار برده و هیچ تغییری در ترجمه دیده نمی‌شود، واژه (حریف) فارسی را بدون ترجمه کردن، به شکل فارسی به‌کار برده و می‌توانست از تعبیر عربی (ندیم) استفاده کند.

روز، روز ماست می در جام ریز
می، می جان، جام، جام اولیا
(عطار: ۱۴۷)

زلیخه:

اليوم يومنا صببَ فی الجامِ خمرنا
الخمرُ خمرُ الروحِ و الجامُ جامُ الأولیا
(زلیخه: ۱۰۴)

معنی بیت:

امروز بخت با ما یار است و اوضاع بر وفق مراد ماست، پس ای ساقی جام وجود عارفان را از شراب روحانی لبریز کن، امروز و این لحظه، من سرخوش عشق الهی هستم، روزگار به کام عارفان است. پس ای عارفان جام وجودم را از می ناب الهی پر کنید.

بررسی ترجمه:

در این بیت شاعر فقط کلمات را ترجمه کرده است بدون هیچ گونه تغییری، هم چنین مفهوم شعر را متوجه نشده است. مفهوم بیت یعنی، روزگار بر وفق مراد است که «زلیخه» به این نکته و اصطلاح توجه نکرده و همان تعبیر فارسی را ترجمه کرده. در مصرع اول بیت «الیوم یومنا...» مبادی بعد از «الیوم» ضمیر «هو» به کار برده می‌شود. با توجه به معنی شعر، زلیخه در مصرع اول بیت، هم چنین برای فعل «ریز» با توجه به معنی آن، بهتر بود از فعل «فاسکب» ترجمه به کار می‌برد. دوم به جای «الجام»، باید «قدح» ترجمه می‌کرد.

بیت پیشنهادی:

ألیوم هو یوم سعدنا فاسکب الخمر
دل

آتشی کز تو در نهاد دل است
تا ابد رهنما و رهبر ماست
(عطار: ۱۶۷)

زلیخه:

النارُ مِنکِ فی اصلِ قلبنا
الی الأبد مُرشدٌ لنا و دلیلٌ لنا
(زلیخه: ۱۴۰)

آتش: در اینجا آتش عشق است که از ازل در سویدای دل بشر به ودیعت نهاده شده است.

معنی بیت

عطار در این بیت می‌خواسته حجت را تمام و مطلب را به وضوح بیان کند. او معتقد است فقط عشق خداوند است که راهنما و بشارت‌دهنده زندگی است. (آتش این عشق را به روشنایی تشبیه کرده) و هر که این آتش را در وجودش دارد، راه را پیدا کرده است.
بررسی ترجمه (۱)

زلیخه بیت را خوب ترجمه نکرده و حق مطلب را ادا نکرده است. فعل (نهاده دل) را در مصرع اول بیت باید به (یسکن فی قلبی) ترجمه شود. (سیکون تا ابد) در مصرع دوم بیت نیز باید به جمله «این راهنمایی و دلیل تا ابد ماندگار خواهد بود»، ترجمه شود.

بیت پیشنهادی

نار هذا العشق الذی یسکن فی قلبی
سیکون مرشدا و دیلا لی الی الأبد
در بیت:

هر که را دل ز عشق گشت خراب
بعد از آن لحظه را کفارت نیست
(عطار: ۲۰۸)

زلیخه:

کُلُّ قلبٍ صار خراباً من العشق
بعد ذاک ما له مُطلقاً عماره

(زلیخه: ۹۹)

معنی بیت

هر کس که قدم در مسیر عاشقی و عشق الهی گذاشت و در این راه دل سوخته گشت و ریاضت کشید، از آن به بعد دیگر بدی و نحسی از او دور خواهد بود.

بررسی ترجمه (۱)

شاعر در این بیت از قدم و ریاضت کشیدن برای رسیدن به عشق الهی و این که با رسیدن به عشق الهی تمامی بدی‌ها و نحسی‌ها از او دور می‌شود، سخن گفته‌است. زلیخه در این بیت کلمه به کلمه شعر را بدون توجه به معنا و مفهوم بیت، ترجمه کرده‌اند، اگر به مصرع اول بیت نگاه کنیم؛ زلیخه واژه (هر که ... را (کل من) ترجمه نکرده‌است. همچنین زلیخه در مصرع دوم بیت (کفاره) را (عماره) ترجمه کرده- است و با توجه به معنی شعر عطار، باید ترکیب (کفاره لذنوبه) به کار می‌برد.

بیت پیشنهادی

كُلُّ مَنْ اَصِيبَ بِالْعَشَقِ وَ اَلَامَه
فلن يحتاج بعد هذا إلى كفارة لذنوبه

در بیت:

چون تو خونین می کنی دل در برم
گر چه دل می سوزدم اما خوش است

(عطار: ۱۹۰)

زلیخه:

قلبي في صدري غارق بالدم من فعلتك
فعلتك رَغْمُ أَنهَا تُحْرِقُ قَلْبِي جَمِيلَه

(زلیخه: ۹۹)

معنی بیت

اشاره زیبا و عاشقانه‌ای به سوختن دلی که در گرو یار است... دلی که به عشق معشوق (خدا) خون می‌شود، سختی می‌کشد، آن سوختن و سختی هم بسیار شیرین و دل‌چسب است، چرا که امید به وصل دارد.

بررسی ترجمه:

زلیخه در مصرع اول (فی صدری) را باید (فی الصدري) ترجمه می‌کرد، همچنین (فی صدري) اضافه است و نباید در ترجمه به کار برده شود و منظور شاعر از این بیت، دلی که به عشق خدا خون می‌شود و سختی که برای رسیدن به یار می‌کشد که زلیخه مفهوم عرفانی بیت را متوجه نشده و فقط بیت را ترجمه کرده و از تعبیری که در زبان عرب کاربرد صحیحی ندارد، استفاده کرده‌است. مثلاً (غارق بالدم) تعبیر درستی نزد عرب‌ها برای ترجمه نیست، او باید ترکیب (مملوءة بالدم) را ترجمه- می‌کرد. در مصرع دوم نیز (فعلتك) اضافه است و نباید در ترجمه‌اش مورد استفاده واقع می‌شد. (اما) نیز در ترجمه‌اش حذف کرده و باید به جای آن (رغم آن، اما، لکن) ترجمه می‌کرد.

نتیجه‌گیری

با بررسی ارزیابی و نقد ترجمه‌ی علی عباس زلیخه از غزلیات عطار نیشابوری نتایج زیر به دست آمده‌است.

۱ - زلیخه در بسیاری از موارد، ترجمه‌های تحت‌اللفظی، مفهوم ادبیات فارسی را مبهم و پیچیده‌تر کرده‌است و باعث سردرگمی مخاطب عرب‌زبان شده‌است. زلیخه به مفهوم اشعار غزلیات عطار بدون درک و بدون توجه به موارد مفهومی و کنایی و عدم درک از اصطلاحات زبان فارسی ترجمه‌کرده‌است.

۲ - عدم توجه و اهمیت به نقش و مشخصه‌های دستوری و نحوی در ترجمه‌ها، سبب خطا در ترجمه شده‌است. در بسیاری از موارد، قواعد و نکات دستوری به‌خوبی رعایت نشده‌است و با بررسی ترجمه‌ی زلیخه نشان می‌دهد که وی حتی در بسیاری از موارد، زبان مادری خود نیز تسلط کافی ندارد.

۳ - در برخی موارد نیز واژه‌های عربی با فارسی یکسان بوده و زلیخه همان واژه‌ها بدون تغییر ترجمه کرده‌است، یکی دیگر از عوامل مؤثر در اشتباهات مترجم در ارائه‌ی ترجمه درست بوده‌است.

۴ - تقریباً در بسیاری از موارد، مترجم، اصطلاحات عرفانی عطار را به‌صورت تحت‌اللفظی ترجمه کرده و با این روش، معنا و مفهوم ادبیات فارسی دچار ریزش شده‌است. به نظر نگارنده، بهتر بود زلیخه در آوردن تعابیر و اصطلاحات عرفانی و مفهومی از شرح و تحلیل در پاورقی بهره‌می‌برد تا مخاطب عرب‌زبان با اصطلاحات بیشتر آشنا می‌شد، بر این اساس، مترجم به دلیل عدم آشنایی کافی با زبان اصلی با چالش مواجه بوده‌است و در نتیجه برگردان وی در فرآیند ترجمه، فاقد اصل مهم ضرورت حفظ و رعایت ویژه متن مبدأ است به‌ویژه این‌که ترجمه به انتقال زبان صرف از یک زبان به زبان دیگر محدود نمی‌شود؛ بلکه بیشتر به دنبال غنی‌سازی فرهنگی است که در تعیین ارزش‌های معنایی زبان مبهم است.

۵ - با توجه به این‌که ترجمه‌ی علی عباس زلیخه و در نمونه‌هایی که مورد بررسی قرار گرفت نه تنها باعث شناخت فرهنگ ادبیات فارسی نمی‌شود، بلکه باعث خدشه وارد کردن متن اصلی و در نتیجه ارائه تصویر غلط از ادبیات و فرهنگ فارسی شده‌است. زلیخه علی‌رغم تلاش فراوانی که در جهت ترجمه غزلیات عطار خرج داده‌است، در موارد زیادی در ارائه‌ی بهتر ترجمه، دچار خطا رفته‌است. به اعتقاد نگارنده نه تنها به شناخت دقیق، کمکی نمی‌کند؛ بلکه تصویر اشتباهی از وی به اذهان مخاطب عرب‌زبان بر جای گذاشته‌است. ارائه ترجمه که دارای خطا و اشتباه باشد، انتقال مفاهیم نه تنها درست صورت نمی‌گیرد، بلکه آن چیزی که منتقل می‌شود، دقیقاً مفهومی نیست که در زبان و فرهنگ مبدأ ارائه می‌شود.

منابع و مأخذ

- ۱) حقانی، نادر. (۱۳۸۶). نظرها و نظریه های ترجمه. تهران: امیرکبیر.
- ۲) دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. چاپ دوم. تهران: سازمان لغت نامه.
- ۳) زلیخه، علی عباس. (بی تا). زبور العجم. ترجمه دیوان عطار نیشابوری. دمشق.
- ۴) سجادی، سیدجعفر. (۱۳۶۲). فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. چاپ سوم. تهران: طهوری.
- ۵) شفیع‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۸). زبور پارسی. نگاهی به زندگی و غزل‌های عطار، چاپ دوم، تهران: آگه.
- ۶) معین، محمد. (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی، تهران: امیر کبیر.
- ۷) نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد عطار. (۱۳۸۴). دیوان عطار. به اهتمام و تصحیح محمد درویش، چاپ چهارم. تهران: جاویدان.

Received: 2023/2/14
Accepted: 2023/4/19
Vol. 21/No. 79/Spring 2024

scientific quarterly journal of Islamic mysticism
(Erfan.eslami.zanjan@gmail.com)
<https://sanad.iau.ir/journal/mysticism>

A look at the Arabic Translation of Attar's Mystical Poems by Ali Abbas Zelikheh (with Emphasis on the Themes of Love and Drunkenness)

Farah Safarina¹, Nahideh Gandomikal^{2*}, Ahmad Hasani Ranjbar³

PhD Student, Arabic Language & Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Assistant Professor, Department of Arabic Language & Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. *Corresponding Author, gandomikal.n@gmail.com

Assistant Professor, Department of Persian Language & Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

Divan of Attar Nishabouri, a mystic and a great Iranian poet, has always been of interest to lovers of poetry and literature, and many critics and researchers have studied and researched this work, and translators from European and Arab countries have also turned to it. There are subtleties in the meaning and meaning of this Persian poet's poems, which in some cases have become the basis for presenting views; Therefore, the influence of his poetry is not limited to Iran and Persian literature. For a long time, his poems have attracted the attention of scholars and experts across the borders, including the Arab world, and following that, his works have been translated several times into different languages, including Arabic, and the review and criticism of these translations is necessary to It seems The present study seeks to analyze and analyze the translation of Attar's mystical lyrics in Arabic based on the descriptive-analytical method, and by comparing the original text with the translation of Ali Abbas Zelikheh, to express issues such as mistakes in understanding, omissions and The equivalent should be chosen inappropriately so that it becomes clear to the audience that the meaning of the words and expressions is transferred to the target language, and is the .translation of the translator responsible for conveying concepts to the reader or not

Keywords: Attar, translation, sonnet, mysticism, Ali Abbas Zelikheh, love.